


## ۱ دعا

**سرگروه:** دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

## ۲ پرستش(۲۰دقیقه)
## خدا قابل شناخت است

**موضوع:** خدا، بتی نیست که توسط انسانی خلق شده باشد یا خدایی که توسط فکر و تصور یک فیلسوف یا پیامبر، آفریده شده باشد. خدای کتاب مقدس، خدای مکاشفه است. خدای کتاب مقدس را می‌توان شناخت.

### ۱ - خدای مکاشفه

**بخوانید:** اشعیا ۴۶: ۱ - ۱۳. خدا بت‌های ساخته شده از سنگ و فلز، خدایانی که فیلسوفان و انبیا ابداع کرده‌اند و پرستندگان آنها را به مبارزه دعوت می‌کند تا دلایلی برای زنده بودن بت‌ها و خدایانشان بیاورند و ثابت کنند که این بتها و خدایان قادر به پیشگویی چیزهایی هستند که بعدها واقعا اتفاق خواهند افتاد! بت‌ها، خدایان دیگر ادیان و پرستندگان چیزی برای گفتن نداشتند! ایشان دلیلی برای اثبات وقوع آنچه بت یا خدایشان پیشگویی کرده، نداشتند!

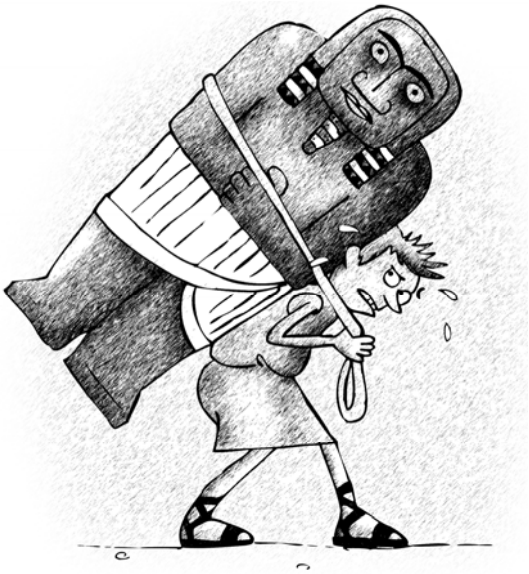
تنها خدای زنده و حقیقی خودش را به روش‌های واضح زیر، آشکار کرده است تا مردم او را بشناسند.

**الف**- تنها خدای کتاب مقدس مخلوق نیست. زرگران بت‌هایی از طلا و نقره می‌سازند (اشعیا ۴۶: ۶) اما خدا زرگران را آفریده است. مردم بت‌هایی از فلسفه و مذهب می‌سازند، اما خدا مردم را آفرید.

**ب**- تنها خدای کتاب مقدس قابل قیاس نیست. بت‌ها را می‌توان با وزنه، وزن کرد (اشعیا ۴۶: ۶). خدای فلسفه و دین امروزی تا حد روح مطلق یا وحدت ریاضی تنزل نموده است، اما خدایی که خویشتن را در کتاب مقدس مکشوف می‌سازد، غیرقابل قیاس باقی می‌ماند (اشعیا ۴۶: ۵).

**پ**- تنها خدای کتاب مقدس خود را در تاریخ انسان آشکار کرده است. بت‌ها هیچگاه چیزی را آشکار نکرده‌اند، زیرا آنها واقعا زنده نبوده و بی‌جان هستند. خدای سایر مذاهب هرگز خود را روی زمین به صورتی که خدای کتاب مقدس در عیسای مسیح مکاسفه کرد، آشکار نکردند. بنابراین پیروان دیگر مذاهب برای رسیدن به بتهایشان بایستی مسیری را طی کنند مثلا از طریق سلوک هشتگانه (بودائیسم)، با یوگا، زهد، اعمال یا مذهب خرافی نهانی (هندوئیسم)، با قوانین و اعمال مذهبی (یهودیت و دیگر ادیان) اما خدای کتاب مقدس از ابتدای تاریخ بشر خود را بر مردم روی زمین آشکار کرده است، چون او حقیقتا وجود دارد و واقعا زنده است (اشعیا ۴۶: ۹). خدای کتاب مقدس در عیسای مسیح طبیعت انسانی را به خود گرفته و به آفرینش خویش و تاریخ بشر پای نهاد و روی زمین آمد و بین ما زندگی کرد و ما را نجات داد (اشعیا ۶:۹- ۷، یوحنا ۱:۱و ۱۴).

**ت**- تنها خدای کتاب مقدس آینده را پیشگویی کرده است. بت‌ها هیچگاه چیزی را که در آینده اتفاق میفتد پیش‌بینی نکرده‌اند. همچنین بت‌های فلسفه‌ها و سایر مذاهب نیز هیچگاه چیزی را که واقعا بعدها در تاریخ اتفاق افتاده باشد پیش‌بینی نکرده‌اند، اما از زمان شروع خلقت، خدا اتفاقات آینده روی زمین را پیشگویی کرده است (اشعیا ۴۶: ۱۰). برای نخستین انسان‌ها (آدم و حوا)، آمدن آن نجات‌دهنده‌ای که شیطان را نابود می‌کند هزاران سال قبل از اینکه عیسای مسیح واقعا به زمین بیاید (پیدایش ۳: ۱۵) پیشگویی شده است. خروج از مصر بیش از ۲۰۰ سال قبل از وقوع آن برای ابراهیم پیشگویی شده بود (پیدایش ۱۵: ۱۳- ۱۴). موسی، خروج از بابل را ۹۴۰ سال قبل از وقوع آن پیش‌بینی کرد (تثنیه ۲۸: ۴۵- ۶۳). بیش از ۶۰ نبوت در ارتباط با عیسای مسیح در عهد عتیق وجود دارد که ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از آمدن عیسای مسیح و قبل از به انجام رسیدن آنها در عیسای مسیح پیش‌بینی شده‌اند.



**ث**- تنها خدای کتاب مقدس قومش را حمل می‌کند. بت‌ها از هیچ نقطه‌ای قابل حرکت نیستند مگر اینکه پرستندگانشان آنها را روی شانه‌های خود حمل کنند (اشعیا ۴۶: ۷). اما خدا قومش را از بدو تولدشان حمل می‌کند (اشعیا ۴۶: ۳- ۴ب، تثنیه ۳۱:۱)!

**ج**- تنها خدای کتاب مقدس دعاها را می‌شنود. بت‌ها هیچگاه به اشکهای پرستندگان خود پاسخ نمی‌دهند (اشعیا ۴۶: ۷). خدایان سایر مذاهب بسیار متعالی یا بیش از حد دور هستند که بتوانند دعاها را بشنوند، اما خدای کتاب مقدس دعاهای قوم خود را می‌شنود (اشعیا ۶۵: ۲۴).



**چ-** تنها خدای کتاب مقدس نجات می‌دهد. بت‌ها هیچ کس را نمی‌توانند نجات دهند (اشعیا ۴۶: ۷). حتی قادر نیستند وقتی در میان بار حیوانات حامل خود اسیر می‌شـــوند خود را نجات دهند (اشعیا ۴۶: ۱- ۲). اما خدای کتاب مقدس قوم خود را از اسارت نجات می‌دهد (اشعیا ۴۶: ۴) و او آنان را از گناهانشان رها می‌سازد (اشعیا ۴۳: ۲۵). در سرتاسر تاریخ بعضی انسان‌ها بت‌هایی از طلا، نقره و چوب ساخته‌اند. بعضی دیگر بت‌هایشان را درافکار خودشان پرورانده‌اند. آنها بر طبق ادارکات انسانی خود از اینکه خدا بایستی به چه چیز شباهت داشته باشد، بت‌ها را طراحی کرده‌اند. برای مثال، یهودیان می‌پندارند که می‌توانند طبیعت خدا را به گونه یک وحدت ریاضی تشریح نمایند. می‌گویند که خـــدا انسان‌ها را فقط از طریق نگه داشتن شریعت یهود، که فریسیان ۶۱۳ حکم ساخته بشر دیگر نیز بر آن افزودند که ۲۴۸ تای آنها امر بود و ۳۶۵ تای دیگر نهی، نجات می‌بخشد و یهودیان ادراک خودشان را از اینکه چه کسانی قوم خدا هستند بدین‌گونه بیان می‌کنند که تنها قوم اسرائیل قوم خداست. خدای یهودیان، خدایی نژادی خاص، قومی ویژه و دینی بخصوص شده است!

اما نظریات آنها درباره خدا مکاشفه خدای زنده در کتاب مقدس نیست. نظریات آنها درمورد خدا فقط متعلق به مذهبی است که انسان ساخته است. اشعیای نبی به آنها چنین اعلام می‌کند که خدا بی‌نظیر است (اشعیا ۴۶: ۵) «... زیرا من قادر مطلق هستم و دیگری نیست خدا هستم و نظیر من نی. خدا هستم و نظیر من نی. آخر را از ابتدا و آنچه را که واقع نشده از قدیم بیان می‌کنم و می‌گویم که اراده من برقرار خواهد ماند و تمامی مسرت خویش را بجا خواهم آورد... من گفتم و البته بجا خواهم آورد و تقدیر نمودم و البته به وقوع خواهم رسانید» (اشعیا ۴۶: ۹ - ۱۱).

## ۲ - واسطه مکاشفه

**بخوانید:** متی ۱۱: ۲۵- ۲۷

درک صحیح خدای کتاب مقدس فقط از طریق خداوند عیسای مسیح بدست می‌آید و این درک از خدا به کسانی داده می‌شود که عیسای مسیح می‌خواهد این امر را بر آنها آشکار سازد. عیسای مسیح واسطه بین خدا و مردم است (اول پطرس ۱:۱۰- ۱۲). انسان‌هایی که عیسای مسیح را می‌شناسند خدای پدر را نیز می‌شناسند (یوحنا ۸: ۱۹).

**سرگروه:** خدا را با این عنوان که قابل شناخت است در گروه‌های کوچک سه نفره بپرستید.

## ۳ در میان گذاشتن برکات(۲۰دقیقه)
## پیدایش

**به نوبت** و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (پیدایش ۱:۱۲-۲۱:۱۵) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید.**)
به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، درمورد آنچه در میان می‌گذارد بحث نکنید.

## ۴ تعلیم(۷۰دقیقه)
## پیغام انجیل: مفاهیم-بخش دوم

**مقدمه:** وقتی انجیل را با مردم در میان می‌گذاریم، بایستی بتوانیم واژه‌هایی را که استفاده می‌کنیم شرح دهیم. به مردم کمک کنید تا مفاهیم «گناه»، «مرگ» و «داوری» (راهنمای ۱، درس ۲ را ملاحظه کنید)، «چرا عیسای مسیح تنها راه به سوی خدای پدر است» و مفهوم «ایمان به عیسای مسیح» را درک کنند.

### الف- اهمیت عیسای مسیح به عنوان تنها نجات‌دهنده جهان

پیام انجیل می‌گوید: «و در هیچ کس غیر از او نجات نیست، زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم» (اعمال رسولان ۴: ۱۲).
**سؤال:** چرا عیسای مسیح تنها نجات‌دهنده جهان است؟ چرا سایر آنانی که نجات‌دهنده نامیده می‌شوند واقعا مردم را نجات نمی‌دهند؟ توجه کنید که چرا فقط عیسای مسیح صلاحیت دارد که نجات‌دهنده باشد.

#### ۱ - ادعاهای منحصر به فرد خود عیسای مسیح

**بخوانید:** یوحنا ۵: ۱۶ - ۳۰
عیسای مسیح با خدای پدر برابر است (۱۸:۵). او از همان حیات الهی برخوردار است که خدای پدر

(۲۶:۵). او همان کارهایی را می‌کند که خدای پدر انجام می‌دهد (۱۹:۵).
او مردگان روحانی را برمی‌خیزاند و بدیشان حیات جاودانی می‌بخشد (۲۱:۵ و ۲۴- ۲۵). او مردگان جسمانی را نیز خواهد برخیزانید تا در داوری نهایی ایشان را داوری نماید (۲۱:۵- ۲۲ و ۲۸- ۲۹).

**بخوانید:** یوحنا ۳۶:۱۰- ۳۸

عیسای مسیح صرفا انسانی نیست که ادعای خدایی کرده باشد (۳۳:۱۰)، بلکه او پسر خداست؛ یعنی خدایی که طبیعت انسانی بر خود گرفت و وارد آفرینش و تاریخ بشر گردید و انشان را نجات داد (۳۶:۱۰). خدای پدر در خدای پسر است و خدای پسر در خدای پدر (۳۸:۱۰) و خدای پسر کارهایی را که خدای پدر می‌کند، بجا می‌آورد (یوحنا ۳۷:۱۰).

**بخوانید:** یوحنا ۶:۱۴- ۱۰.

خدای پسر تنها راه رسیدن به خدای پدر است (۶:۱۴). خدای پسر خدای پدر را آشکار می‌کند (۷:۱۴و ۹). وقتی عیسی می‌گوید: «من در پدرم و پدر در من است» (۱۰:۱۴)، نه از وحدت روحانی، بلکه از وحدت وجودی (هستی شناختی) سخن می‌گوید- خدای پسر و خدای پدر دارای طبیعت الهی مشترکی هستند! از این روست که عیسای مسیح می‌گوید که هرکه او را ببیند، خدا را دیده است و هرگاه عیسی را بشناسید، خدا را شناخته‌اید.

**بخوانید:** متی ۴۰:۱۰ و لوقا ۱۶:۱۰.

عیسای مسیح می‌گوید که هر که او را بپذیرد، خدا را پذیرفته و هرکه او را رد نماید خدا را رد کرده است! این ادعاها دارای اعتبار می‌باشند، زیرا همه نبوت‌هایی هستند که تحقق یافته‌اند.

**بخوانید:** اشعیا ۱۴:۷؛ ۵:۵۳.

در حدود ۷۰۰ سال قبل از اینکه عیسای مسیح واقعا به زمین بیاید خدا پیشگویی کرد که این نجات‌دهنده «خدا با ما» نامیده خواهد شد، «به سبب تقصیرهای ما مجروح» خواهد شد تا ما نجات یابیم. بیش از ۶۰ نبوت عهد عتیق درمورد آمدن این نجات‌دهنده در عیسای مسیح انجام شده است که از این تعداد ۳۰ تای آن فقط در یک روز از زندگی تحقق یافت.

تصادفی بودن آن کاملا غیرممکن است. خدا آمدن نجات‌دهنده را پیشگویی کرد و عیسای مسیح این پیشگویی‌ها را انجام داد. به همین علت ادعاهای او حقیقت دارند. (راهنمای ۳، پیوست ۴ را ملاحظه فرمایید: نبوت‌های مربوط به عیسای مسیح).

## ۲ - ادعاهای منحصر به فرد رسولان در مورد عیسای مسیح

**بخوانید:** اعمال رسولان ۴: ۱۲

رسولان ادعا کردند که خدا فقط یک نام به انسان بر روی زمین داده است که با آن بایستی نجات یافت و این نام، عیسای مسیح است! عیسای مسیح تنها یک نبی که راه نجات را نشان می‌دهد نیست، بلکه خودش تنها راه نجات است!

## ۳ - چرا ادعاهای عیسی و رسولان از اعتبار کامل برخوردارند.

**الف**- ادعاها معتبرند چون تنها عیسای مسیح میانجی میان خدا و انسان می‌باشد.

**بخوانید:** یوحنا ۱:۱- ۴ و ۱۱- ۱۲، اول تیموتاؤوس ۲: ۵.

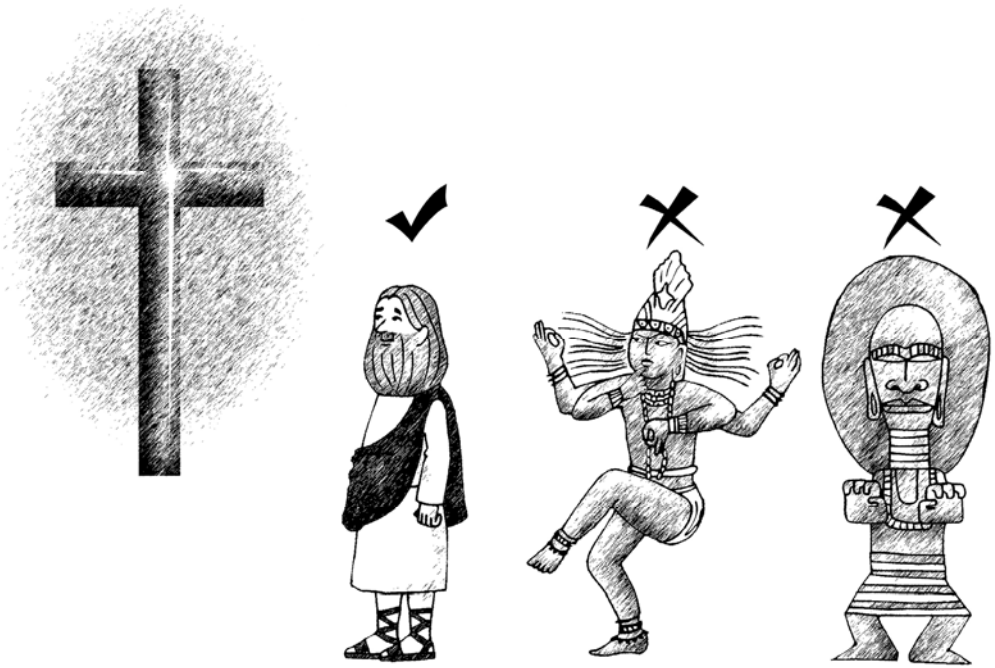
پیش از آفرینش جهان، خدا از پیش تصمیم گرفته بود که خود وارد زمان و مکان آفریده خود شود و در عیسای مسیح انسان گردد (اول پطرس ۱: ۲۰). خدا پیش از آفرینش جهان ما را انتخاب کرده بود تا به واسطه عیسای مسیح قوم پاک و بی‌عیب او باشیم (افسسیان ۱: ۴). خدا خودش به تاریخ انسان وارد شد و با بسیاری از انسان‌های روی زمین شریک گردید تا مردم را از گناهانشان نجات بخشد. به همین دلیل عیسی می‌گوید: «پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می‌کند» (یوحنا ۱۴: ۱۰).

عیسای مسیح یگانه میانجی میان خدا و انسان است. واژه «میانجی» (یا واسطه) به معنای کسی است که میان خدا و انسان می‌ایستد؛ کسی که خدای نادیدنی از طریق وی در جهان دیدنی عمل می‌کند. عیسای مسیح میانجی آفرینش است، چون خدا همه چیز را تنها به واسطه عیسای مسیح آفرید (یوحنا ۳:۱). او واسطه مکاشفه خداست، چون خدا تنها از طریق عیسای مسیح خودش را به طور کامل بر انسان مکشوف ساخت (یوحنا ۴:۱). به عنوان واسطه، عیسای مسیح نماینده خدا پیش انسان (متی ۱: ۲۳، کولسیان ۱: ۱۵) و نماینده انسان پیش خدا (اول یوحنا ۲: ۱- ۲) است.

**ب**- ادعاها معتبرند چون تنها عیسای مسیح صلاحیت آن را دارد که نجات‌دهنده جهان باشد.
عیسای مسیح یگانه میانجی میان خدا و انسان و تنها نجات‌دهنده جهان است، زیرا از سه جهت منحصر به فرد است:

فقط عیسای مسیح خدا را کاملا آشکار می‌کند. او مکاشفه کامل خدا به انسان است.
**بخوانید:** عبرانیان ۱: ۳ (یوحنا ۱:۱و ۱۴، ۱۸، فیلیپیان ۲: ۶ – ۸، کولسیان ۱: ۱۵، ۲: ۹)
هیچ انسان یا رهبر دینی دیگری در کل تاریخ این جهان چنین ادعایی نکرده است. هیچ انسان دیگری، خدا در قالب انسان نبوده است؛ یعنی خدایی که ذات انسانی هم به خود گرفت و در تاریخ در میان مردم زندگی کرد. عیسای مسیح، درخشش جلال خداست؛ یعنی توصیف مرئی تمام ویژگی‌های الهی خدا، مثل تقدس و محبت خدا. عیسای مسیح نمایش راستینی از وجود خداست؛ یعنی او جلوه دقیقی از واقعیت خدا و وجود واقعی یا ذات بنیادین او است. عیسای مسیح، صورت قابل رویت خدای نادیدنی است.

- فقــط عیسای مسیح بی‌گناه بود و تا ابد کامل است. او قربانی‌ای کامل برای کفاره گناهان بشر است.



**بخوانید**: عبرانیان ۴: ۱۵، ۷: ۲۶ - ۲۸

یک شخص برای آنکه قربانی کاملی برای فدیه گناهان بشر باشد، باید از چهار نظر صلاحیت داشته باشد:

- او باید یک انسان باشد (یوحنا ۱:۱و ۱۴). قربانی حیوانی از کفایت و صلاحیت لازم برخوردار نیست (عبرانیان ۱۳:۹- ۱۴، ۱۰:۱- ۴).
- او باید انسانی بی‌گناه باشد (عبرانیان ۱۵:۴، ۲۶:۷- ۲۸). یک گناهکار فاقد صلاحیت است.
- او باید خود خواهان قربانی شدن باشد (یوحنا ۱۷:۱۰- ۱۸). قربانی ناخواسته نمی‌تواند صلاحیت داشته باشد.
- او باید برگزیده خدا باشد (اول پطرس ۱۹:۱- ۲۰). نبی یا نجات‌دهنده‌ای که خودش خودش را منصوب کرده باشد، نمی‌تواند صلاحیت داشته باشد. هیچ شخص یا رهبر دینی دیگری در کل تاریخ این جهان ادعای بی‌گناهی، داوطلب بودن برای مردن و برگزیده خدا بودن نکرده است. پس هیچ کس این صلاحیت را ندارد که به جای گناهکاران بمیرد، چون خودش هم گناهکار است. فقط عیسای مسیح این صلاحیت را داشت تا قربـــــانی کاملی باشد که تاوان گناهان ما را بپردازد.

فقط عیسای مسیح از مرگ رستاخیز کرده و تا ابد زنده است. او کاهن اعظم کاملی است که برای ایمانداران دعا و از ایشان مراقبت می‌کند.

**بخوانید**: عبرانیان ۷: ۲۳ - ۲۵

هیچ شخص یا رهبر دینی دیگری در کل تاریخ این جهان، مدعی نشده که پس از مرگ از مردگان برخاسته است! این رهبران دینی و انبیا هنوز در قبور خود دفن می‌باشند. آنها مرده‌اند و نمی‌توانند هیچ کسی را نجات داده یا از کسی مواظبت کنند، اما خدا با رستاخیز عیسای مسیح از مردگان نشان داد که او نجات‌دهنده جهان است. بعد از رستاخیز مسیح صدها نفر از شاهدان او را دیدند و او به مدت ۴۰ روز به آموزش رسولان منتخب خود ادامه داد. او به آسمان صعود کرد و اکنون به دست راست خدای پدر نشسته است و از آنجا از طریق موعظه انجیل فیض، ملکوت خود را در قلب‌ها و زندگی میلیون‌ها نفر بر روی زمین برقرار می‌کند.

با این حال، فیض نجات فقط تا قبل از بازگشت او در دسترس است (م.ک. امثال ۲۷: ۱، دوم قرنتیان ۶: ۲). وقتی عیسای مسیح دوباره به زمین بازگردد، برای داوری خواهد آمد نه برای نجات از گناهان. پس دیگر فرصتی برای توبه و ایمان نخواهد بود. بنابراین وقتی انجیل را می‌شنوید توبه کنید و ایمان آورید.

## ب- مفهوم ایمان در کتاب مقدس

پیام انجیل می‌گوید: «زیرا خدا جهان را اینقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هرکه بر او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد» (یوحنا ۳: ۱۶).

### ۱ - ایمان چیست؟

ایمان مسیحی جهشی در تاریکی نیست. ایمان از جایی شروع نمی‌شود که منطق متوقف شده باشد. ایمان بر مکاشفه یک نبی در مقطعی از تاریخ فرهنگی بخصوص مبتنی نیست، بلکه بر مکاشفه همان حقیقت با گواهی بیش ۴۰ نبی در دوره زمانی بیش از دو هزار سال و در سه فرهنگ مختلف جهان استوار می‌باشد! ایمان در کتاب مقدس براساس واقعیتها است! ایمان یقین یا اطمینان کامل داشتن به حقیقی بودن این موضوعات است. ایمان یعنی داشتن اعتقادی شخصی به این حقایق و داشتن رابطه شخصی با خدایی که این حقایق را آشکار نموده است.

کتاب مقدس پر از وقایعی است که نشان می‌دهند خدا در تاریخ انسان سخن گفته و عمل کرده است. بیش از هر اتفاق تاریخی دیگری که صریحا درتاریخ امروز پذیرفته شده است، کتاب مقدس و راستی محتوای آن دارای شواهد شنیداری، دیداری، دست نوشته‌های مکتوب از اصل کتاب مقدس، ترجمه‌های کتاب مقدس به زبان‌های مختلف و مدارک مستند باستان‌شناسی برای کتاب مقدس و حقایق برای اثبات محتوای آن است. محتوایی که امروزه به طور تردید ناپذیری به عنوان تاریخ مورد قبول هستند! برای مثال:

- قدیمی‌ترین دستنویس کامل عبری کتاب اشعیا که در قمران در دریای مرده کشف شده، به ۱۲۵ پیش از میلاد تعلق دارد.
- پاره‌ای از انجیل مرقس به زبان یونانی، مرقس ۵۲:۶- ۵۳ به تاریخ ۵۰ م.
- پاره‌ای از انجیل یوحنا، یوحنا ۳۱:۱۸- ۳۴و ۳۷- ۳۸، به تاریخ ۱۳۰ م.
- پاپیروس‌های چستر بیتی، حاوی اکثر بخش‌های عهد جدید به زبان یونانی، به تاریخ ۲۰۰- ۲۵۰ م.
- نسخه واتیکان، شامل تقریبا کل عهد جدید به زبان یونانی، به تاریخ ۳۲۵- ۳۵۰ م.
- نسخه سینایی، شامل تقریبا کل عهد جدید به زبان یونانی و نیمی از ترجمه یونانی عهد عتیق، به تاریخ ۳۵۰ م.

- نسخه اسکندریه، حاوی تقریبا کل کتاب مقدس به زبان یونانی، به تاریخ ۴۰۰ م.
- پنج هزار دست‌نویس یونانی دیگر عهد جدید با تاریخ‌های میان سده دهم تا پانزدهم میلادی.
- هزاران دست‌نویس ترجمه‌های عهد جدید به زبان لاتین، سریانی، سه زبان مصری، گوتیک، ارمنی، اتیوپیایی، گرجی و عربی با تاریخ‌هایی میان سده دوم تا چهارم میلادی.

این مدارک تاریخی ثابت می‌کنند که کتاب مقدس هیچگاه دستخوش تغییر نشده است!
کسی که از بررسی این مدارک غفلت می‌کند از خرد بهره‌ای نبرده است. پیغام مسیحیت مهمترین پیام در کل تاریخ بشریت است. به همین علت است که مردم بایستی به پیغام مسیحیت توجه کنند.

## ۲ - چه کسی ایمان به عیسای مسیح را امکان‌پذیر می‌سازد؟

**کشف و گفتگو کنید**: خدا در ارتباط با ایمان انسان کجا قرار گرفته است؟
**ملاحظات:** ایمان در کتاب مقدس به صورت لاینفک به قدم اول خدا وابسته است که شامل مکاشفه و فیض او می‌شود و همینطور به پاسخ انسان بستگی دارد که شامل اعتماد و اطاعت او می‌شود. بدون مکاشفه و فیض خدا، ایمان غیرممکن است.
بدون اطاعت انسان، ایمان کامل نیست. خدا همیشه با مکاشفه و فیض خود اولین است و انسان همیشه با پاسخ خود که شامل ایمان (اعتماد) و اطاعت (اعمال نیکو) است، دومین می‌باشد.

**الف**- مکاشفه خدا

**بخوانید:** رومیان ۱۰: ۱۴– ۱۷، عبرانیان ۱۱: ۶- ۸
خدا همیشه با فرستادن شخصی به نزد شما برای موعظه انجیل، قدم اول را برمی‌دارد (رومیان ۱۰: ۱۴- ۱۷). خدا اراده‌اش و وجودش را بر نوح و ابراهیم آشکار کرد، پیش از آنکه آنها بتوانند با ایمان و اطاعت (عمل) به او واکنش نشان دهند (عبرانیان ۱۱: ۶- ۸).

**ب**- فیض خدا

**بخوانید:** یوحنا ۶ :۴۴ و ۳۷، فیلیپیان ۱: ۲۹، یوحنا ۸:۱۶؛ اعمال رسولان ۱۳: ۴۸.

خدا همیشه با کشاندن مردم به سوی مسیح (یوحنا ۶: ۴۴) و با کار کردن در فکر و قلب آنها از طریق روح‌القدس، مجاب ساختن ایشان به گناه، نجات و داوری (یوحنا ۱۶: ۸) قدم اول را برمی‌دارد. به همین دلیل آنانی که ایمان می‌آورند تصدیق می‌کنند و قبول دارند که تجربه ایمان آوردنشان هدیه‌ای سخاوتمندانه از سوی خداست (افسسیان ۲: ۸ – ۹، فیلیپیان ۱: ۲۹، اعمال رسولان ۱۳: ۴۸ ، ۱۶: ۱۴، ۱۸: ۲۷).

**پ**- پاسخ انسان

**بخوانید:** افسسیان ۲: ۸ – ۱۰، یعقوب ۲: ۲۲

انسان به قدم نخست خدا، با ایـــمان آوردن به مکـــاشفه خدا و با دریافت هدیه سخاوتمندانه نجات، پاسخ می‌دهد. ایمان دستان خالی انسان است که عطای نجات خدا را دریافت می‌کند. ایمان نمایانگر تنه درختی است که ریشه آن فیض خدا و میوه آن بیانگر اعمال خوب انسان است (افسسیان ۲: ۸ - ۱۰). با در نظر گرفتن پاسخ انسان، عیسای مسیح می‌گوید: «جد و جهد کنید تا از در تنگ داخل شوید، زیرا که به شما می‌گویم بسیاری طلب دخول خواهند کرد و نخواهند توانست» (لوقا ۱۳: ۲۴، متی ۷: ۱۳- ۱۴). پاسخ بر طبق ایمان انسان شجاعت، کوشش و مجاهده برای آنچه عیسای مسیح تقدیم می‌کند را لازم دارد.

## ۳ - چگونه می‌توانید به عیسای مسیح ایمان آورد؟

**بخوانید:** یوحنا ۱: ۱۲، رومیان ۱۰: ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۷، مکاشفه ۳: ۲۰

**کشف و گفتگو کنید**: شخصی که انجیل را می‌شنود باید چگونه به آن پاسخ دهد؟

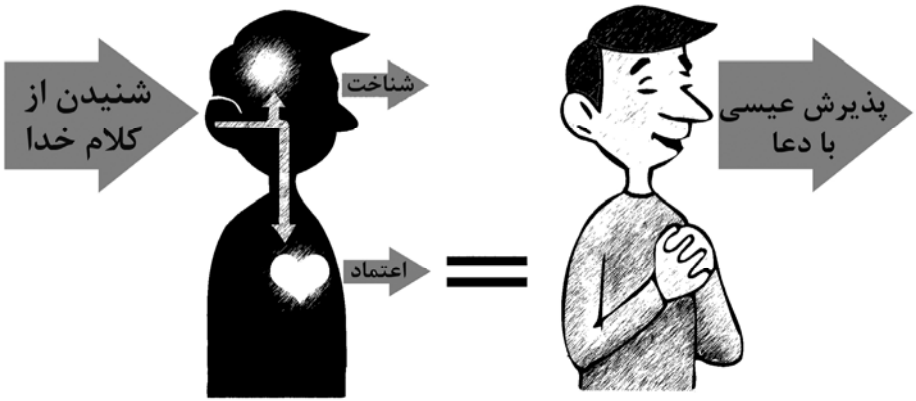
**ملاحظات:** ایمان به عنوان پاسخ انسان به قدم اول خدا دارای سه عنصر است.

**الف**- شناخت. شخص با گوش‌هایش انجیل عیسای مسیح را می‌شنود. بدون شنیدن حقیقتی که درانجیل است، ایمان آوردن غیرممکن است. او نخواهد دانست که به چه چیز ایمان بیاورد.

**ب**- اعتماد (ایمان). شخص با قلبش ایمان می‌آورد که این پیغام، حقیقتی نه فقط برای سایر مردم بلکه

برای خود اوست. بدون آنکه او در فکر و قلب خود قبول کند که این حقیقت برای شخص اوست، پیغام انجیل بدون ایجاد تأثیر یا تغییری در سطح شناخت باقی می‌ماند.

**پ**- پذیرش. شخص با دهانش دعا می‌کند و عیسای مسیح را می‌خواند تا او را نجات بخشد. در دعایش او بایستی اعتراف کند که عیسای مسیح خداوند است نه فقط خداوند او بلکه خداوند کل هستی. او بایستی (روح) عیسای مسیح را درقلب و زندگی خود بپذیرد. بدون پاسخ به انجیل؛ یعنی بدون پذیرفتن عطای نجات در قلب و زندگی خود، او نمی‌تواند نجات یابد (رومیان ۵: ۱۷).




## ۴ - اگر ایمان آوردن را کاری دشوار بیابید، بایستی چکار کنید؟

وقتی ایمان آوردن را دشوار می‌یابید، می‌باید با پیروی از عیسای مسیح آغاز نمایید.

**بخوانید:** یوحنا ۱: ۳۷ - ۳۹ ، ۴۳ - ۵۰ ؛ متی ۹: ۹

**الف**- اطاعت، به ایمان هدایت می‌کند.

وقتی عیسی مردم را به شاگردی دعوت می‌کرد به آنها می‌گفت: «بیایید و ببینید» و «از عقب من بیا» یوحنا و آندریاس از دعوت عیسی اطاعت کردند و با عیسی به جایی که او اقامت داشت رفتند و آن روز را با عیسی گذراندند. بعد از آن هیچگاه پیروی او را ترک نکردند. فیلیپس از دعوت عیسی اطـاعت کرد و به گروه کوچک سه نفره شاگردان پیوست (یوحنا، آندریاس، پطرس). در بازگشت خود فیلیپس نتنائیل را

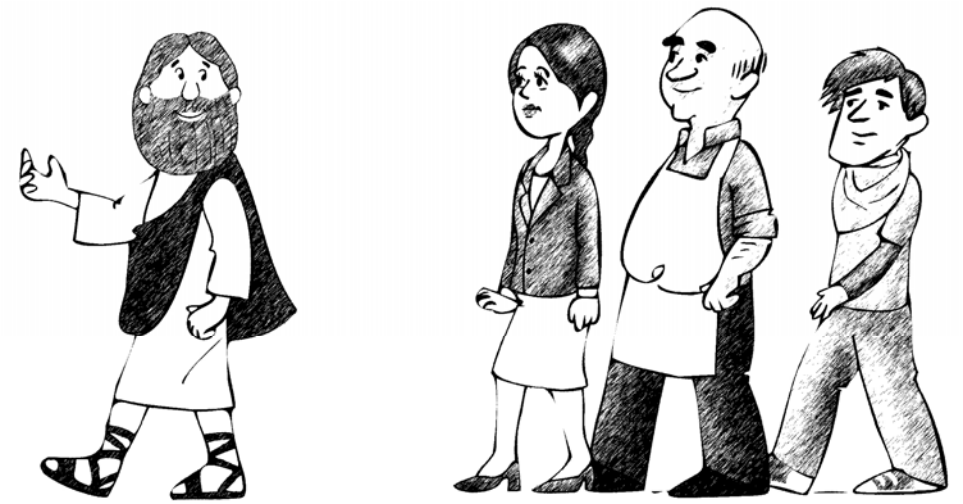
دعوت و به او گفت: «بیا و ببین.» نتنائیل از پیغام (دعوت) او اطاعت کرد، به نزد عیسی آمد، او ایمان آورد و گفت: «ای استاد تو پسر خدایی، تو پادشاه اسرائیل هستی.» همچنین متی دعوت عیسی را اطاعت کرد و کار روزانه‌اش را ترک کرد و عیسی را پیروی کرد.

حداقل درمورد نتنائیل، دعوت به شاگردی (پیروی عیسای مسیح) منجر به ایمان آوردن سریع او نشـــد آنطوری که ما در وضعیت دیگران چنین انتظاری داریم. در حینی که آنها شنیدند، ایمان آوردند و سپس اطاعت کردند، نتنائیل شنید، اطاعت کرد وسپس ایمان آورد. اطاعت نتنائیل از دعوت عیسی منجر به ایمانی خالص و شاگردی او شد. نتنائیل ذاتا منتقد بود و به آسانی به هرچه می‌شنید ایمان نمی‌آورد. به همین دلیل فیلیپس سعی نکرد که او را با حقایق انجیل و یا با جر و بحث متقاعد کند، بلکه به سادگی گفت: «بیا و ببین.» فقط بعد از اینکه نتنائیل از این دعوت (بیا و ببین) اطاعت کرد، ایمان آورد و به عنوان یک شاگرد، عیسی را پیروی کرد. فقط وقتی ایمان آوردن برای نتنائیل امکان‌پذیر و واقعی شد که از دعوت عیسای مسیح اطاعت کرد و از زیر درخت انجیر بلند شد تا برود عیسی را ببیند بدین صورت ایمان آوردن به عیسای مسیح برای او واقعیت پیدا کرد تنها راه به سوی ایمان و شاگردی، اطاعت از دعوت عیسای مسیح یعنی «بیا و ببین» و یا «از عقب من بیا!»

**ب**- اطاعت امری ضروری است.

از دعوت عیسی بایستی اطاعت کرد. درغیر این صورت این دعوت تبدیل به مسیحیت بدون شاگردی می‌شود و مسیحیت بدون شاگردی همیشه مسیحیت بدون مسیح است. درچنین مسیحیتی ایمان به خدا وجود دارد، اما پیروی ازعیسای مسیح نیست. چنین ایمانی فقط یک نظریه ذهنی است، افسانه‌ای که جانشین پدر بودن خدا می‌شود، اما عیسای مسیح را به عنوان پسر زنده خدا حذف می‌کند. در چنین مذهبی اعتماد به خدا وجود دارد، اما بدون پیروی از عیسای مسیح. ایمان به اینکه فقط یک خدا وجود دارد کافی نیست. حتی شیاطین نیز ایمان دارند که خدایی وجود دارد و می‌لرزند (یعقوب ۲: ۱۹). ایمان به خدا بدون پیروی از عیسای مسیح ایمانی مرده است (یعقوب ۲: ۱۷). تنها ارتباط واقعی که مردم می‌توانند با عیسای مسیح داشته باشند این است که از دعوت او به شاگردی اطاعت کنند و او را پیروی کنند. همچنین ایمان ابراهیم با اعمالش کامل شد (یعقوب ۲: ۲۲).

پس وقتی شخصی ایمان آوردن به واقعیت‌های انجیل را مشکل می‌بیند، بایستی از دعوت عیسای مسیح یعنی «بیا و ببین» یا «از عقب من بیا» اطاعت کند. وقتی چنین شخصی برمی‌خیزد و عیسای مسیح را پیروی می‌کند به وضعیتی وارد می‌شود که ایمان آوردن امکان‌پذیر و حقیقتا واقعی می‌شود.



## ۵ - چرا دعوت عیسی به شاگردی اینقدر مهم است؟

**تعلیم دهید:**

**الف**- دعوت عیسای مسیح به شاگردی ضروری است.

**بخوانید:** لوقا ۹: ۵۷ - ۵۸

دعوت عیسای مسیح به شاگردی ضروری است، چون هیچ کس واقعا نمی‌تواند بهای شاگردی را محاسبه کند. اولین داوطلب شاگردی، منتظر دعوت عیسی به شاگردی نماند او خودش چنین پیشنهاد داد که عیسی را به هرجا که رود پیروی خواهد کرد. عیسی پاسخ داد بهای شاگردی سنگین است و گاه ممکن است جایی برای سرنهادن نباشد. شاگردی، راه صلیب است چون عیسی در مسیر صلیب بود، هیچ کس داوطلبانه زندگی یک شاگرد را برای خود انتخاب نخواهد کرد. هیچ کس خود را به چنین سرنوشتی نمی‌تواند دعوت کند. این داوطلب شاگردی، پاسخی به عیسی نداد و نتوانست بدهد، چون اختلاف میان پیشنهاد داوطلبانه برای شاگردی عیسای مسیح و دعوت عیسای مسیح به پیروی از او بسیار زیاد بود.

**ب**- دعوت عیسای مسیح به شاگردی مطلق است.

**بخوانید:** لوقا ۹: ۵۹ - ۶۰

دعوت عیسای مسیح به شاگردی مطلق است، چون هیچ چیز نباید ما بین عیسی و شاگردی قرار گیرد. به هیچ چیز نه شریعت مذهبی و نه سنن اجتماعی نباید اجازه داد که مابین عیسای مسیح و دعوت شخص قرار گیرد.




دومین داوطلب شاگردی، از طرف عیسی به شاگردی دعوت شد، اما او هنوز اسیر قوانینی بود که معلمان مذهبی یهود آن را شرح می‌دادند: اول برو و پدرت را دفن کن. او می‌دانست که عیسی از او می‌خواهد چه کند، اما با این وجود می‌خواست در وهله نخست شریعت را انجام دهد. میان اطاعت از دعوت عیسای مسیح به شاگردی و شخصی که داوطلب شاگردی بود، یک قانون مذهبی، مانند یک سد قرار گرفت. دعوت عیسی به شاگردی بایستی قویترین دعوت باشد قوی‌تر از هر سدی. به هیچ چیز نباید اجازه داد که مابین عیسای مسیح و دعوت شونده قرار گیرد. هر چیزی را که مابین عیسای مسیح و شخص دعوت شده قرار گیرد بایستی خرد کرد و به خاطر عیسای مسیح کنار گذاشت.

قوانین مذهبی و سنن اجتماعی پیشین، زمانی که مابین عیسای مسیح و پیروی از او به عنوان یک شاگرد قرار می‌گیرند، حق ادعای خود را از دست خواهند داد. این قوانین مذهبی و سنن اجتماعی بایستی به خاطر پیروی عیسای مسیح خرد گردند. خدا کلام آخر و نهایی خود را در عیسای مسیح و از طریق او بیان کرد (عبرانیان ۱: ۱- ۲).

دعوت عیسای مسیح به شاگردی بایستی اطاعت شود. پیروی داوطلب او نمیتواند دعوت مقتدرانه عیسای مسیح را رد کند (اعمال رسولان ۲۶: ۱۴- ۱۸). دعوت عیسای مسیح، فیض است. این فیض در زندگی یوحنا، آندریاس، پطرس، فیلیپس و نتنائیل غلبه یافت. از آن پس این فیض زندگی پولس و میلیون‌ها نفر در سراسر جهان را تسخیر کرده است.

**پ**- دعوت عیسای مسیح به شاگردی نامشروط است.

**بخوانید:** لوقا ۹: ۶۱ - ۶۲

دعوت عیسای مسیح به شاگردی نامشروط است، چون هیچ کس اجازه ندارد که در شاگردی وضعیت یا واژه‌های خود را تحمیل کند. سومین داوطلب شاگردی مسیح نیز منتظر دعوت عیسی به شاگردی نماند، بلکه چنین پیشنهاد کرد که از عیسی به صورت کاری برنامه‌ریزی شده در زندگی خود پیروی خواهد کرد. در حالی که نخستین داوطلب شاگردی، اصلا بهای شاگردی را محاسبه نکرد سومین داوطلب شاگردی، محاسبات، شرایط و واژه‌های خود را برای شاگردی مسیح تعیین کـــرد. او در وهله نخست خواست که به خانه‌اش برود و با اهل خانه خداحافظی کند. در حالی که دومین داوطلب شاگردی، گرفتار موانع موجود در مذهب و فرهنگ خود بود داوطلب سوم شاگردی، خودش ترتیبی داد که موانع خودش، مابین عیسای مسیح و او قرار گیرند. او می‌خواست عیسای مسیح را پیروی کند، اما این پیروی بایستی بر اساس واژه‌های خودش قرار گیرد. شاگردی برای او احتمالی بیش نبود که فقط در صورتی تحقق می‌یافت که شرایط خاصی انجام شود. پس او شاگردی را به سطح درک انسان از شاگردی پایین آورد: «نخست باید این کار بکنید و بعد بایستی آن کار را انجام دهید.» نوع شاگردی او دیگر شاگردی واقعی نبود، بلکه نوعی از مذهب انسانی بود. شاگردی واقعی هیچ نوع شرایطی را که مابین عیسی و اطاعت از دعوت او به شاگردی قرار گیرد تحمل نخواهد کرد!

پس وقتی شخصی ایمان آوردن به واقعیت‌های انجیل را سخت می‌بیند، بایستی از دعوت عیسای مسیح اطاعت کند؛ یعنی «بیا و ببین» یا «از عقب من بیا» وقتی چنین شخصی برمی‌خیزد و عیسای مسیح را پیروی می‌کند، به موقعیتی وارد می‌شود که ایمان آوردن، امکان‌پذیر و حقیقتا واقعی می‌شود. پذیرفتن میزان خطری که برداشتن اولین قدم در پیروی عیسای مسیح دارد، تنها راه برای آموختن مفهوم ایمان خالص است. کسی که دعوت می‌شود باید از وضعیتی که مانع ایمان آوردن او می‌شود، بیرون آید و اولین قدم را به سوی عیسای مسیح بردارد؛ یعنی به وضعیتی وارد شود که بتواند شروع به ایمان آوردن کند.

**خلاصه:** دعوت عیسای مسیح یعنی «بیا و ببین» و «از عقب من بیا» وضعیتی ایجاد می‌کند که ایمان آوردن را امکان‌پذیر می‌کند. این وضعیت یعنی ایمان خالص و پایدار با برداشتن قدم اطاعت به سوی عیسای مسیح شروع می‌شود. فقط شخصی که مطیع است صادقانه ایمان می‌آورد. فقط شخصی ایمان می‌آورد که صادقانه مطیع است. ایمان از طریق عمل اطاعت تبدیل به ایمانی خالص می‌شود (یعقوب ۲: ۲۲) واطاعت حقیقی، ایمان آوردن است (یوحنا ۶: ۲۸ - ۲۹).

## ۵ دعا(۸دقیقه)
## دعای در پاسخ به کلام

**به نوبت** در تمام گروه یا در حالی که به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

## ۶ تکلیف منزل(۲دقیقه)
## برای درس بعد

**سرگروه:** (رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ ـ تعهد- متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته‌های درس «مفاهیم انجیل- بخش دوم» را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲ ـ رازگاهان- هر روز نیمی از یک فصل را از قسمت پیدایش ۱۶ - ۱۹ بخوانید. از روش طرح پرسش استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ ـ بررسی کتاب مقدس- درس بعدی بررسی کتاب مقدس (اعمال رسولان ۵: ۱۲- ۴۲. موضوع: وظیفه بشارتی کلیسا) را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۴ ـ دعا- در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵ ـ آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود در مورد پرستش، رازگاهان، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.